

بسم الله الرحمن الرحيم

دعای اول

هنگامی که آن حضرت شروع به نیایش می نمودند و به حمد و ثنای پروردگار
متعال می پرداختند

ستایش مخصوص خدایی است که ذات ازلی اش، اول در وجود و مبدأ آفرینش است
بی آنکه آن ذات ازلی را اول و ابتدایی باشد و آخر در وجود است بی آنکه آن حقیقت
ابدی را آخر و انتهایی باشد (هستی از اوست و هستی او اول و آخری ندارد) آنکه
دیده ی بینندگان از دیدنش قاصر و اندیشه ی توصیف کنندگان از وصفش عاجز است،
جهان را با قدرتش ابداع کرد (بی مثال و بی سابقه ی فکرت آفرید) و بر طبق مشیت
خود اختراع نمود، سپس تمام خلق را در مسیر اراده ی خویش به راه انداخت و آنان را
در راه محبت خود قرار داد، به طوری که از آنچه آنان را به سویش پیش تاخته کنی
نتوانند و بر آنچه به عقب رانده پیشی نگیرند، به فراخور هر جاندار روزی معلوم
مقرر داشته از آنچه مقسوم اوست، هیچ کس یارای آن ندارد که ذره ای بکاهد، یا
چیزی بیفزاید، سپس برای هر یک اجل معین کرد و پایان مشخصی مقرر داشت که
به همراه شب و روز به سوی اجل خویش گام بر می دارد و با سال های عمر روزگار آن
اجل معین فرا می رسد تا هنگامی که آخرین قدم را برداشته و از تمام پیمانه ی عمر
خویش بهره گیرد، آنگاه پروردگار او را به سوی منزلی که دعوتش نموده رهسپار کند،
منزلی که در آن یا سعادت ابدی و ثواب و پاداش کامل است و یا شقاوت و قهر و
غضب الهی است؛ (تا در آن عالم خدای متعال به عدل و احسان، بدکاران را به کیفر
کردارشان برساند و نیکوکاران را به نیکی پاداش دهد) که کار خدا عدل و احسان است
و نام های مقدس و اوصاف عالیهاش پاک و منزّه است و لطف و احسان و
نعمت هایش بر خلق آشکار است و کسی را حق سؤال و چون و چرا در کار خدا
نیست.

حمد خدای را که اگر به بندگانش نمی‌آموخت که چگونه در مقابل منت‌های پیاپی و نعمت‌های روشن و مسلم او سپاسگزار باشند هر آینه از عطا‌های او بهره برده و ستایشش نمی‌کردند و در روزی او غوطه‌ور شده و شکرش نمی‌نمودند و اگر مردم چنین می‌بودند از مرز انسانیت بیرون رفته و به سر حد حیوانیت می‌رسیدند چنانکه در کتاب محکم‌ش فرمود: اینان مردم غافل از خدا که نمی‌اندیشند جز مانند ستوران (چهارپایان) نیستند بلکه گمراه‌ترند. (سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان آیه‌ی کریمه ۴۴)

حمد و ستایش مخصوص خداست که ما را به معرفت خویش راهنمایی کرد و خداشناسی آموخت؛ و بهره‌ای از شکر نعمت‌هایش را به ما الهام نمود و برخی از درهای علم به ربوبیت خویش را بر ما گشود و ما را راهنمایی کرد که چگونه در توحید او اخلاص داشته باشیم و از الحاد و شک و تردید در امرش دور گردانید. آن‌چنان سپاس و ستایش گوئیم که عمر ما در ادای ستایشش به سر رسد و گوی سبقت را از کسانی که به رضا و عفوش نائل آمده‌اند برباییم، آن‌چنان ستایشی که تاریکی‌های برزخ را بر ما روشن کند و راه رستاخیز را بر ما آسان سازد و منزلت ما را در جلوی دید همگان گرامی بدارد، در آن روز که هر کس به سزای عمل خویش می‌رسد و به هیچ کس ابداً ستم نشود، روزی که هیچ دوستی به داد دوست خود نمی‌رسد و او را یاری نکند آن‌چنان ستایشش گوئیم که در سایه‌ی آن به اعلیٰ علین رسیم در نامه‌های ثبت شده که همه‌ی مقربان درگاهش ناظر آند، حمدی که به هنگام برق زدن چشم‌ها، (روز قیامت هنگامی که از شدت ترس و وحشت به اندازه‌ای مضطرب و متحیر گشته که چشمانش باز مانده و جایی را نمی‌بیند) دیدگان ما روشن شود و به هنگام سیاه شدن چهره‌ها رو سفید گردیم، حمدی که ما را از آتش دردناک رها کرده و در سایه‌ی رحمتش قرار دهد، حمدی که با آن دوشادوش فرشتگان مقرب الهی قرار گیریم و همگام با پیامبران مرسل در منزلگاه ابدی و ثابت که تغیر ناپذیر است حرکت کنیم.

حمد خدای را که برای ما زیبایی‌های آفرینش (اخلاق نیکو) را برگزید و گواراترین روزی‌ها را نصیبمان فرمود و ما اهل‌بیت را بر جمیع خلق برتری و فضیلت داد؛ که

زمام امور تمام آن‌ها با قدرت او به دست ما قرار گرفته و به وسیله‌ی عزت و عظمت او فرمان‌بردار ما شده‌اند، حمد خدای را که درهای نیاز را جز به حضرتش بر ما بست و خاندان رسالت را از غیر خود از همه‌ی عالم بی‌نیاز کرد، پس چگونه از عهده‌ی ستایش او توانیم برآمد؟ یا کی توانیم که شکر او گوئیم!! هرگز، حمد خدای را که وسایل بسط (علم و ایمان) را در جوهر ذات ما آمیخت و اسباب اخذ و قبض حقایق را به ما عطا فرمود و از نعمت زندگی ما را بهره‌مند ساخت و اعضای ما را برای فعالیت کامل نمود و ما را رزق نیکو و پاکیزه عطا کرد و به فضل و کرم خود ما را از همه بی‌نیاز و به انعام خود متنعم و خشنود ساخت. سپس به واسطه‌ی امر و نهی ما را در طاعت و شکرگزاری بیازمود و چون ما بندگان از طریق آمرزش رو گردانیدیم و به وادی هلاکت شتافتیم باز بر ما تعجیل به عقاب و انتقام نفرمود بلکه ما را مشمول رحمت خویش گرداند و با بردباری و مهربانی منتظر برگشت ما به درگاه خود ماند.

حمد خدای را که ما را راهنمایی نمود به سوی توبه‌ای که اگر فضل او نبود به آن دست نمی‌یافتیم، اگر از فضل او چیزی را جز این به شمار نیاوریم همین بس، نعمت‌های او چه خوب و احسان حضرتش چه فراوان است بر ما و فضلش چه بسیار، روش او درباره‌ی آمرزش گناه امت‌های گذشته چنین نبود، ما را از تحمل آنچه درخور طاقت ما نبود معاف فرمود و ما را به اندازه‌ی توانایی تکلیف نمود و تکلیف ما را جز سهل و اندک مقرر نفرمود و برای هیچ کس حجت و عذری باقی نگذاشت، پس هر کس که به هلاکت افتد خود مسئول است و خوشبخت کسی است که روی به سوی او آورد.

حمد خدای گوئیم همان‌گونه که مقرب‌ترین فرشتگان او و بهترین خلق او بر ذات پاکش حمد کنند، حمدی که پسندیده‌ترین ستایشگران نزد حضرتش بجای آورند، حمدی که بر تمام ستایش‌ها برتر گردد، همان‌گونه که پروردگار ما بر تمام خلائق برتری دارد، باز هم حمد گوئیم او را در مقابل هر نعمتی که بر ما و تمام بندگان گذشته و آینده ارزانی داشته، به شمارش آنچه در پوشش علم حضرتش قرار گرفته و به جای هر یک از آن‌ها چند برابر که پایان‌پذیر نباشد و تا روز رستاخیز ادامه داشته باشد، حمدی

که حدّ محدود و حساب معدود و میزان معین نداشته باشد و هرگز پایان نپذیرد، حمدی که ما را به طاعت و بخشش حضرتش رهنمون سازد و رضای او را تأمین کند و دریچه‌ای به سوی آمرزش حضرتش و راهی به بهشت و پناهی از انتقام او و مایه‌ی امان از غضبش و پشتیبان بر طاعتش و بازدارنده از نافرمانی‌اش و یاری بر ادای تکالیفش گردد، حمدی که به‌وسیله‌ی آن در زمره‌ی سعادتمندان از دوستانش درآییم و در سلسله‌ی شهدایی که با شمشیر دشمنانش به خون غلطیده‌اند قرار گیریم که اوست مولای ستایش شده‌ی ما.

اللهم عجل لولیک الفرّج